

## “چیزی شبیه مجلس دوم”

“مجلس دوم” به کار خود پایان داد. نتیجه چهار سال “کار مداوم” این مجلس، با ۲۷ نماینده و هزینه‌های سنگین چیست؟ رسول موسوی، نماینده اهواز، چنین پاسخ می‌دهد:

“... عدم رفع تبعیض و ناروایی‌های عمیق اقتصادی - اجتماعی، عدم وجود قوانین مناسب و انقلابی برای حل مشکلات بنیادی کشور - مانند نظام صحیح اقتصادی، عدم تعیین حدود و ثغور مالکیت، عدم حل مسئله زمینهای کشاورزی، عدم ایجاد تحول در ساختار نظام اداری، عدم اصلاح مقررات استخدامی و نظارت پرداخت هماهنگ، عدم ایجاد تحول در روشهای اجرایی - خصوصاً در دستگاههای قضایی و شهرداریها، عدم حرکت صحیح در جهت توزیع عادلانه درآمدها به منظور ایجاد عدالت در توزیع درآمدهای عمومی دولت، وجود نظام نادرست توزیع و رشد فزاینده بخش خصوصی و رشد سریع این بخش که در نتیجه آن روزبروز تعداد القانیانهای گمنام افزوده می‌شود... از جمله مشکلاتی است که مجلس دوره دوم از کنار آنها گذشته و لاینحل باقی مانده است.”

باید گفت که نه تنها مجلس دوره دوم، بلکه کل نظام “ولایت فقیه” از کنار این مشکلات، که بقیه در ص ۶

## “صدای آمریکا”

### مبلغ صدای وازدگان

چند روز پیش یکی از خوانندگان “نامه مردم” در تماسی به ما خبر داد، که رادیو “صدای آمریکا” در گفتاری مفصل درباره “باصطلاح” حزب دمکراتیک مردم ایران سخن پردازی کرد و با جملاتی پر مطراق از این گروهک وازده به تمجید پرداخت.

تبلیغات “صدای آمریکا” درباره ضد توده ایهای حرفه‌ای برای خواننده “نامه مردم” شکست انگیز نبود. حال که بابک و همدستانش از هر گونه نام و نشانی، چه برسد حمایتی، در ایران بی بهره اند، این جارچیان امپریالیسم آمریکا هستند، که باید وظیفه “شهر” ساختن آنها را بعهده بگیرند. آنجا، که هدف توده‌ای ستیزی و کمونیسم ستیزی باشد، امپریالیسم و ارتجاع حاضرند، تا همه امکانات خود را بر طبق اخلاص بگذارند.

خواننده “نامه مردم” می‌گفت: تکلیف سرکردگان قوم که معلوم است فقط از چشم بانتظاران چراغ معجزه آنها بپرسد “چه شده است، که “صدای آمریکا” مجبور شده است، صدای بابک را بلند بکند؟”

### دز صفحات نقد

\* استراتژی یگزیده در ص ۴

استراتژی امپریالیسم پسند

\* کنفرانس در ص ۸

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

## اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

### به مناسبت روز جهانی کودک

۲۹ سال پیش به ابتکار “فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان”، اول ژوئن (۱۱ خرداد) روز جهانی کودک اعلام گردید. روز جهانی کودک، روز جلب افکار جهان به زندگی کودکان و روز مهارزه برای کسب حقوق آنان است.

اعلامیه حقوق کودک که به تصویب سازمان ملل متحد رسیده تصریح می‌کند: “کودک از لحظه هستی دارای حقوقی است که جامعه موظف به شناسایی آنست و از آنجا که کودکان به علت ناتوانی جسمی و فکری قادر به دفاع از حقوق خود نیستند توجه به حقوق آنان در حیطة وظایف دولت‌هاست.” دولت‌ها موظفند با تامین بهداشت، آموزش و پرورش و ایجاد بقیه در ص ۶



شماره ۲۰۹ دوره هشتم  
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۷/۳/۱  
شماره ۲۰ ربال

## چرا رژیم برآشفته است؟

“کیهان هوائی”، بازناب این ناراحتی و عصبانیت سران رژیم در قبال سیاست مردمی حزب ماست.

نخستین سئوالی که پس از مطالعه مقاله مطرح می‌شود اینست: چرا مبلغان رژیم از میان انبوه سازمانهای هوادار اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، حزب توده ایران را انتخاب کرده و مورد هتاک قرار داده‌اند؟

مگر نه اینست که همین رژیم خمینی، به تأسی از رژیم سلف خود حزب توده‌ای ما را “منحله” اعلام کرد؟ مگر نه اینست که ارگانهای سرکوبگر پس از سازمان دادن شوهای تلویزیونی، اعلام پایان نفوذ حزب در جاسه را “مژده” دادند؟ حال چگونه است که مواضع صلح طلبانه همین حزب “منحله” و “بدون نفوذ” را مورد حمله قرار می‌دهند؟ البته این تنها رژیم نیست که از عدم نفوذ حزب در جامعه دم می‌زند و مبارزه برای باصطلاح “منزوی ساختن حزب” را با زدن انواع برچسب‌ها و اتهامات بی‌شمارانه ادامه می‌دهد، بلکه نیروهای دیگری نیز هستند که چنین آرزویی دارند. اما برخلاف خواست دشمنان طبقاتی و مخالفان سیاسی، وجهه حزب توده‌ای ما در میان مردم روز بروز در حال گسترش است. این نیز تصادفی نیست. تاریخ حزب توده ایران، از تاریخ مبارزه کارگران و همه زحمتکشان در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح در دوران معاصر جدا نیست. حضور زنده حزب توده ایران رانمی‌توان نادیده گرفت. مفسر “کیهان هوائی” هم درست به همین دلیل حزب توده‌ای ما را آماج حملات تبلیغاتی خود قرار داده است. او و همگانش نیک می‌دانند که زمینه نفوذ شعارهای واقع‌بینانه حزب ما، که از خواست توده‌ها سرچشمه می‌گیرد، زیاد است. از این رو می‌کوشد با خلط مبحث به تحریف شعارهای ما بپردازد. “کیهان هوائی” می‌نویسد: “در شرایطی که آمریکا بدلیل شکست بحران خلیج فارس در حال عقب نشینی از این منطقه است و دولت ریگان برای درخشان جلوه دادن کارنامه ۸ ساله ریاست بقیه در ص ۲

حزب توده ایران سالهاست در راه استقرار صلح عادلانه و پایان دادن به جنگ ویرانگر مبارزه میکند و در این راه قربانیهای زیادی داده است. یکی از علل اصلی یورش فاشیستی به حزب ما نیز بخاطر مبارزه فزاینده اش در راه صلح بود. در دوره زمانی دست اندازی بر بخشهایی از خاک میهنمان، افسران شهید و میهن دوست توده‌ای در راه بیرون راندن نیروهای نظامی اشغالگر عراق نقش برجسته و چشمگیری ایفا کردند.

پس از اخراج نیروهای اشغالگر از ایران، حزب ما مسئله صلح را بفتح مصالح ملی میهنمان تشخیص داد و به همین سبب نیز با آگاهی از مخاطرات طرح چنین مسئله‌ای در شرایط رژیم ترورو اختناق، بی‌محابا آنرا با مردم در میان گذاشت. از آن ایام تا کنون ما بدون وقفه در این راه کام برداشته‌ایم. همه اینها برای مردم میهن ما روشن است و نیازی به بازگویی ندارد.

ما از همه پیشنهادهای کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی و همچنین کشورهای غیر متعهد و “کنفرانس اسلامی” دایره‌برپایان دادن به جنگ ایران و عراق، تا آنجا که با منافع خلقهای ما مطابقت داشته است، حمایت کرده‌ایم. ما بارها از سازمان ملل متحد خواهان دخالت به منظور پایان دادن به جنگ شده‌ایم.

در این رهگذر به جرأت می‌توان گفت قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد جامع‌ترین سندی است که ۱۵ کشور عضو شورای امنیت و از آنجمله ۵ عضو دائمی آن در سال گذشته بتصویب رساندند. حزب توده ایران بنا به مسئولیتی که در قبال خلق و منافع میهنمان دارد، از این قطعنامه پشتیبانی کرد و اکنون نیز بحق در راه تحقق بخشیدن به آن پیکار می‌کند.

اما این موضع حزب توده ایران خوشایند سران مرتجع ج.ا. نیست. سیاست حزب ما در زمینه پایان دادن به جنگ با سیاست جنگ افروزانه رژیم در تضاد آشکار است. شاید به همین سبب موضع حزب ما آنها را سخت برآشفته ساخته است. مقاله “قطعنامه ۵۹۸ و گرایش آن”، در

## برقرار باد “جبهه آزادی و صلح”، سرنگون باد رژیم “ولایت فقیه”!

## چرا رژیم...

جمهوری اش در صد پایان دادن به جنگ ایران و عراق و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و تحمیل صلح و شرایط عادلانه به ج.ا. است با نشربه "مردم"، ارکان مرکزی "حزب توده" ایران، که در مورد قطعنامه نظریاتش با منافع و خواست امپریالیسم آمریکا انطباق پیدا کرده است، برای موجه جلوه دادن نظرات خود به تحریف مواضع امپریالیسم غرب پرداخته و در مطلبی در شماره ۱۸۹ تحت عنوان "جنگ برای صدور انقلاب" ضمن ستایش از این قطعنامه "مطلوب آمریکا و غربیها می‌نویسد..." و الی آخر. "کیهان هوایی" از مقاله ای سخن به میان می‌آورد که مادر آن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را بهترین فرصت برای سران ج.ا. دانسته‌ایم تا بگونه‌ای عادلانه و شرافتمندانه مسائل مورد مناقشه میان رژیم را بر سر میز مذاکره و بدون خونریزیهای بیهوده حل کنند. ما در این مقاله خاطر نشان کرده‌ایم که گردانندگان ج.ا. که قصد اصلی‌شان صدور انقلاب است، روی حسابهای غلط از این شانس تاریخی استفاده نکردند و به امپریالیسم آمریکا، دشمن همه خلیقهای منطقه، که نفعی در پایان گرفتن جنگ ندارد، امکان دادند تا حضور نظامی خود را در منطقه تشدید کند و استقلال و حق حاکمیت کشورهای حوزه خلیج فارس را در معرض تهدید جدی قرار دهد.

کجای این نوشته با موضع امپریالیسم آمریکا همخوانی دارد؟ "کیهان هوایی" چنین القا می‌کند که گویا آمریکا بدلیل شکست در خلیج فارس در حال عقب نشینی از این منطقه است. آیا این نوشته با واقعیت موجود در خلیج فارس انطباق دارد؟ به هیچ وجه حضور فزاینده نیروهای نظامی - دریایی ایالات متحده و حوادث اخیر خلاف این امر را نشان می‌دهد. امپریالیسم آمریکا و دیگر کشورهای غربی به هیچ وجه خواهان پایان دادن به جنگ نبوده و نیستند، کما اینکه آنها به هیچ وجه خواهان پیروزی ایران یا عراق نیز نبوده‌اند و نخواهند بود. آری این درست است که امپریالیسم آمریکا نیز به قطعنامه ۵۹۸ رأی مثبت داده است ولی از همان روز نخست از اجرای برخی مواد آن دایر بر عدم دستیابی به هر اقدامی که به تشدید تشنج در منطقه خلیج فارس منجر گردد، سرباز زده است. سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس، چنانکه ما بارها خاطر نشان کرده‌ایم، آن روی سکه سیاست رژیم ضد خلقی ج.ا. است. خودداری رژیم از قبول قطعنامه ۵۹۸ - که در آن همه مسائل بطور کامل در نظر گرفته شده است - و اصرار بر ادامه جنگ تا پیروزی، تا کنون جز شکست، کشتار، سیه‌روزی و ویرانگری برای مردم میهن ما حاصلی نداشته است. آیا این موضع ج.ا. با سیاست امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در زمینه کوشش برای شعله‌ور نگه داشتن جنگ فرسایشی همخوانی نداشته و ندارد؟ بنابر این آنچه که "کیهان هوایی" تحریف موضع امپریالیسم از جانب حزب توده ایران قلمداد می‌کند سفسطه‌ای بیش نیست و هدف از آن تحریف موضع صلح طلبانه حزب توده ایران بمنظور جلوگیری از رفتن شعارهای آن در میان توده‌های وسیع مردم است. از هم اکنون می‌توان

گفت که این توطئه نیز با شکست کامل روبرو خواهد شد.

"کیهان هوایی" حزب توده ایران را با افراد و اشخاصی که گویا، بنوشته مفسر، برکنار از "وابستگی‌های خارجی" هستند، مقایسه می‌کند و جالب است که در این زمینه از موضعگیری "مثبت" از "کیهان" سلطنت طلب با آب و تاب یاد می‌کند. آیا این نه به معنی همخوانی مواضع ج.ا. با مواضع جریانهای مشکوک و وابسته به امپریالیسم آمریکا است؟ مابدون آنکه در "استدلالات" بی‌پایه تویسنده مقاله "کیهان هوایی" وارد شویم، سخنی چند درباره موضع حزب و علت اتخاذ آن در زمینه جنگ را جایز می‌دانیم.

می‌گویند جنگ ادامه سیاست است. در شرایط جنگ اسلحه جای قلم را می‌گیرد. این امر در مورد ج.ا. نیز صادق است. هر دولتی و از آنجمله هر حزب سیاسی، سیاست معین و مشخصی را تعقیب می‌کند. می‌توان پرسید سیاست چیست؟ بنظر ما سیاست عبارت از عرصه فعالیت در ارتباط با مناسبات میان طبقات، ملتها و دیگر گروههای اجتماعی است که مسئله بدست گرفتن، حفظ و استفاده از حاکمیت دولتی هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد. ساختار حاکمیت دولتی مسئله عمده در سیاست است. مضمون سیاست در آخرین تحلیل جز منافع طبقه و یا اتحادی از طبقات نیست. سیاست داخلی و خارجی بیک مسئله راجع می‌کند: تأمین و حفظ و تحکیم سیستم مناسبات اجتماعی در نظام موجود و مآلا حفظ حاکمیت این یا آن طبقه و یا گروههای اجتماعی. بهر حال، سیاست هدفهای معینی را دنبال می‌کند. برای رسیدن به این هدفها می‌توان از طرق انسانی و یا ضد انسانی بهره گرفت. در حال حاضر جنگ طریق ضد بشری دستیابی به هدف سیاسی نظام "ولایت فقیه" است.

آیا در شرایط کنونی جهان می‌توان از طریق جنگ که ادامه سیاست در ج.ا. است، به "صدور انقلاب اسلامی" و تحمیل نظرات و عقاید و ایدئولوژی خود به دیگر خلیقها دست یافت؟ ما در دورانی زندگی می‌کنیم که شرایطی نیمه قرن پیش یکی فرق دارد. ما در عصر سلاحهای هسته‌ای بسر می‌بریم. عصری که در آن سلاحهای هسته‌ای موجودیت بشر را زیر علامت سؤال برده است و هر جنگ و هر کانون تشنج در هر منطقه، بالقوه می‌تواند به جنگ بزرگتر و حتی جهانی تبدیل شود. بویژه اگر این جنگ و کانون تشنج در منطقه استراتژیک و مهمی چون خلیج فارس باشد.

در این اوضاع و احوال، شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" به معنای خیانت به منافع ملی و مصالح عالیله کشور است. مادر مقابل این سیاست ضد بشری رژیم، سیاست بشر دوستانه صلح و تأمین امنیت خلیقهای کشورمان و منطقه را قرار می‌دهیم. این سیاست همیشگی ما بوده و هست. ما مخالف سرسخت جنگ هستیم و علیه آن مبارزه کرده و خواهیم کرد. جنگ بزرگترین ضربات را بر جامعه و مردم ستمیده ما وارد آورده است. طبق آمارهای که تا کنون در مطبوعات خارجی منتشر شده است (سران ج.ا. از انتشار آمار کشته شدگان و مجروحان و... جدا خودداری می‌کنند) تا کنون در حدود ۷۰۰ هزار نفر ایرانی فقط در جبهه‌های جنگ کشته شده‌اند. تعداد معلولین و آوارگان جنگی به ۲ میلیون بالغ می‌شود. ۴۰ هزار نفر ایرانی در شرایط سخت اسارت

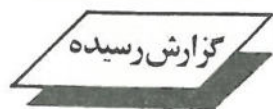
بسر می‌برند. جنگ خرابیهای بیشماری به میهن ستمیده ما وارد آورده است. جنگ منبع درآمدهای کلان برای مستی غارتگر اجتماعی است، که زیر پوشش "شرع" و حمایت سران مرتجع رژیم "ولایت فقیه" به چپاول و غارت بی‌بند و بار مردم می‌پردازند. جنگ میلیونها ایرانی را دچار فقر و گرسنگی و بی‌خانمانی و بیکاری و بدبختی کرده است. صدها هزار خانواده ایرانی عزادارند. بیش از یک میلیون جوان ایرانی از کشور فرار کرده‌اند تا در جنگ شرکت نکنند. جنگ جز ورشکست اقتصادی و مالی، جز فقر و مسکنت چیزی به بار نیاورده است. بهمین دلیل نیز سیاست ما همیشه در جهت پایان دادن به جنگ سیر کرده و در آینده نیز خواهد کرد.

سران رژیم با تبلیغات وسیع می‌خواهند چنین وانمود سازند که گویا مردم ایران خواهان جنگ یعنی خواهان مرگ و فقر و بدبختی هستند و به جز آن نمی‌اندیشند. و گویا مردم ایران حس دوست داشتن زندگی را از دست داده‌اند و فقط در آرزوی نوشیدن "شربت شهادت" بسر می‌برند. اما رنج و عذاب ایرانیان در سالهای شعله‌وری آتش جنگ بطرز بارزی نشان داده است که نفس حق حیات برای انسانها جز وحشیگری معنا و مفهومی ندارد. دهها میلیون انسان در کشور مانه برای "شهادت" بلکه برای دستیابی به آزادی و حقوق واقعی خود به صفوف انقلاب پیوستند. آنها با دست خالی با دشمن تا دندان مسلح جنگیدند تا جامعه‌ای مبتنی بر عدالت که در آن انسانها بتوانند آزاد زندگی کنند - نه اینکه کشته شوند - بوجود آورند. سیاست حزب ما با در نظر گرفتن این خواست توده‌های میلیونی بی‌بریزی شده است و طبیعی است که در تضاد آشکار با سیاست ضد خلقی رژیم استبدادی قرون وسطایی و همچنین امپریالیسم جهانخواه، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، است.

دفاع از حق حاکمیت و استقلال کشور یکی از عناصر عمده سیاست ماست. "کیهان هوایی" بی‌جهت می‌کوشد تا این جنبه از سیاست حزب ما را زیر علامت سؤال ببرد.

مباحث رژیم در مقاله مورد بحث از نوشته ما، در مورد اینکه امپریالیسم آمریکا با تحکیم حضور نظامی خود در منطقه "استقلال و حق حاکمیت کشورهای حوزه خلیج فارس را در معرض تهدید جدی قرار داده" بسختی "انتقاد" می‌کند و می‌نویسد: "... جالب است که حزب توده کشورهای حوزه خلیج را که دست پرورده امپریالیسم آمریکا هستند، "مستقل" و صاحب حق حاکمیت" می‌داند و از آنها در برابر آمریکا حمایت می‌کند."

چنین تحلیلی ناشی از بی‌سوادی نیست، بلکه با هدف عوامفریبی ارائه می‌شود. کدام عقل سلیم می‌تواند قبول کند که این یا آن "کشور" و یا خلقی می‌تواند "دست پرورده" امپریالیسم باشد؟ نویسنده "کیهان هوایی" بی‌شمر می‌کوشد تا رژیمهای ضد خلقی را با "کشور" یکی بگیرد. کشورها از آن میلیونها انسانی هستند که در آنها زندگی و در برابر خیانت سران رژیمهای حاکم از استقلال و حق حاکمیت خود دفاع می‌کنند. این اصل در مورد همه خلیقهای منطقه و از جمله خلیقهای میهن ما صادق است.



جمهوری اسلامی:

کارخانه "گداسازی"

شار گدایان روژ بروز افزون تر می شود. در خیابانهای تهران، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، گدایان در راهند.

چرا گدایی می کنید؟

\* لیللا، اهل سبزوار، ساکن سه راه افسریه، زیر باران کودکش را در آغوش دارد. می گوید:

شوهرم نوازنده\* محلی بود. انقلاب که شد، بساطش را جمع کردند. بعد رماتیسم گرفت و خانه نشین شد. سه بچه دارم، این که هشت ساله است (بچه ای را که در بغل دارد نشان می دهد) یک بچه\* ۶ ساله و یک بچه\* ۴ ساله.

از دولت چه انتظاری داری؟

- هیچ. فقط از کلا نتری نیابند و مزاحم بشوند. گاهی می آیند و هر چی پول داریم می گیرند و می گویند صلوات بفرست. تا حالا چند بار پولهایم را گرفته اند.

\* سعید سبزواری. اهل اطراف مشهد: زن و دخترم در مشهد هستند. شب را در پاساژهای دریا زو کوچه پس کوچه ها می گذرانم. قبلا کارگر سلاخ بودم. مریض شدم و دیگر نتوانستم کاری پیدا کنم. مدتی نطفاتچی امامزاده بودم که بیرونم کردند. دولت چه کاری می تواند برای من انجام بدهد؟

\* معصومه\* ساروی. اهل اطراف آمل: شوهرم شالیکار روزمزد بود. بعد از مرگش بی سرپرست شدم. آمدم تهران، پیش پسر بزرگم که زن گرفته. همین یک پسر را دارم. خودش هشتش گرو نهش است. مرا از خانه بیرون کرد. ناچار سفره\* گدایی را بهن کردم. یک اتاق اجاره کردم با ماهی مقتصد تومان کرایه. دولت باید از ما سرپرستی کند. اما کجابه فکر این چیزهاست.

\* کرم موسوی، اهل اطراف الیکوردز، ساکن میدان شوش: زن دارم و سه بچه\* ۸ و ۱۰ و ۱۴ ساله. قبلا جویبان خان بودم. بساطخان که جمع شد مجبور شدم که بیایم تهران. وقتی می توانی توی ده بمانی که لااقل یک تکه زمین داشته باشی. بهر حال آمدم تهران دنبال کار. اما کوی کار؟ بیایید خانه\* ما را از نزدیک ببینید. زندگی مان را ببینید...

\* حسین فولادی. سه فرزند دارم. دو دختر ۱۲ و ۹ ساله و یک پسر ۷ ساله. مادرشان مرده. گروهیان ژاندارمری بودم. یک پیام در ماموریت ها ناقص شد. با خرید شدم. پولهای باخرید که ته کشید، از مشهد پا شدیم آمدم تهران دنبال کار. اما کار گیر نیامد.

صرف نظر از تبلیغات سو\* رژیم، سیاست حزب ما درباره\* پایان دادن به جنگ خانمانسوز هر چه بیشتر در میان توده های میلیونی مردم جایز می کند و به شعار عمده\* روز مبدل می گردد. باید از همه امکانات برای جامعه\* عمل پوشاندن به قطننامه\* ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده کرد. این یک وظیفه\* انسانی است.

مبارز توده ای، ابوالفضل پورحیب:

نه آخرین شقایق این باغ

بود و ما اورا کشتیم. پدر لحظاتی سکوت کرد، سپس با طنزی گزنده و خرد کننده گفت: "دستان درد نکند". لباسها و وسائش را تحویل خانواده اش دادند. از وصیت نامه اش خبری نبود. حتما چیزهایی نوشته بود که حاکمان "شرع" انتشار آنها را "صلاح" ندانستند. از دفترچه\* یادداشت او تنها یک جلد و سه برگ سفید در میان وسائش یافتند. دستی با کینه ای حیوانی یادداشتهای این قهرمان توده ای را از میان دفترش به بیرون کشیده بود. لابد این یادداشتهای نیز نباید به دست "نامحرم" می افتاد.

مبارز توده ای از فرزندان رنج و کار بود. در سال ۱۳۲۴ در میان خانواده ای زحمتکش چشم به زندگی گشوده بود. آگاهی طبقاتی او را به راه حزب کشاند. جز خدمت به مردم و انقلاب اندیشه\* دیگری در سر نداشت. تا آنکه در خرداد ۶۲ به سرانگش آمدند و در خانه اش، در امامزاده حسن، دستگیرش کردند. ۵ سال مقاومت قهرمانانه، سپس اعدام. زندگی او در زندان را می توان در سه کلمه خلاصه کرد: شکنجه، مقاومت، مرگ.

هر صبح و شب به غارت توفان روند و باز باز آخرین شقایق این باغ نیستند.

قهرمانان زنده اند

قهرمانان هماره زنده اند

برای من باشد. ای آقا! کی به ما کار می دهد. کی به فکر ما می تواند باشد؟

\* زن من ۵۵ ساله از سر ما می لرزد. (اسش را نمی گوید). سه تا بچه\* قدو نیم قد دارم. هیچ ما و او مسکنی نداریم. شوهرم در بیماران دزفول کشته شد. سه سال است که گدایی می کنم. هیچ کس به فکر ما نیست. مگر که خدا خودش کاری کند...

\* غلامعلی، ۵۷ ساله، اهل آبادان: سه بچه دارم. جنگ که شد، در بدر شدید. معتادم، کار ندارم. باید بپریم و دم نزنیم.

\* مینا، ۴۸ ساله، اهل کاشان. خانه دار بودم و رختشویی می کردم. حالا گدایی می کنم...

\* حجت علی، ۴۵ ساله. ۴ بچه دارد. آذربایجانی است. چون کار نیست گدایی می کنم. بالاخره یک جوری باید شکم بجه ما را سیر کرد.

\* غفار، ۴۵ ساله، اهل اطراف خرم آباد. تنها هستم و پیر و از کار افتاده. قبلا کارگر ساختمان بودم...

\* عروجعلی، ۷۰ ساله، اهل دهات اردبیل. ۴ تا بچه دارم. کسی به من کمک نمی کند. مجبورم گدایی کنم.

\* احمد، ۲۵ ساله، اهل اراک. دست فروش بودم. از شهرستان آمدم و بولم تمام شد. مریض هستم. باید بیمارستان بخوابم. ای بابا! چه بیمارستانی. کی به درد آدم می رسد؟

\* سید حسن، ۶۰ ساله، ۲ فرزند دارد. زخمی عمیق در پهلویش دارد. تیریزی است. قبلا مستخدم و نطفاتچی بوده و حالا از کار افتاده است...

زنجیره\* گدایان را انتهایی نیست. با از کارخانه اخراج شده اند یا از دستا کشیده شده اند. یا هستی خود را در جنگ از دست داده اند...

ما را در فریادی بیابید درمشتی در چشمی نگران در پیشانی عرق کرده ای

در پتکی که به سنگینی فرود می آید در داسی که علفهای هرز را در می کند در دستی که قنداق تفنگ را می فشارد و به سمت فرماندهان می چرخد در اشاره ای کوتاه بیابید ما را به قاطعیت فرمانی که می دهیم

ما را چون سیکاری خاموش می کنند چون شاخه\* خشکی می سوزانند و ما شعله می کشیم در آتش آنها جوانه می زنیم در باغستانها

...

بیاد داشته باشید

که سخن آخر را ما خواهیم گفت.

خبر رسید که در هشتم فروردین ۶۷، رفیق ابوالفضل پورحیب، مبارز توده ای، در اوین اعدام شده است. آیا حاکمیت جهل و جنایت چنین خبری را تکلیب خواهد کرد؟ به پدر کارگرش گفتند: "پسرت مارکیست

\* محمد ولی الله. ساکن پائین تر از بهشت زهرا. ۸ سر عائله دارم. زن و هفت دختر ۷ تا ۲۴ ساله. قبلا دریکی از روستاها. قروه کشاورز بودم.

از ترس اینکه زیر بمباران ماهم تلف بشویم و برای فرار از گرسنگی آمدم تهران که شاید کاری گیرم بیاید. زمینم را هم فروختم. پولش را خوردم. پیرو ضعیف هستم. سواد ندارم. بنابراین چاره ای جز گدایی نیست. انتظار از دولت هم کار بیخودی است. دولت مال ما نیست...

\* حسین. اهل چهار محال بختیاری. ساکن نزدیک میدان امام حسین. من و خواهرم و سه تا بچه\* ۴ و ۸ و ۱۰ ساله توی یک زیر زمین زندگی می کنیم، با ۱۵۰۰ تومان اجاره. خدا سابه\* امام را از سر ما کم نکنند. به برکت وجودش نان نداریم که بخوریم...

\* مهدی علی. اهل زنجان. پسر ما بردند سربازی. زنم در قم زندگی می کند و خودم آمدم تهران دنبال کار. کار گیرم نیامد. شها توی قوه خانه می خوابم. قبلا توی یک شرکت یاد بودم. از دولت هم هیچ انتظاری ندارم.

\* بداله اضراری. ساکن جوادیه. زن و ۶ بچه از ۴ سال تا ۱۸ سال. همه شان مدرسه می روند. اهل اردبیل هستم. کارم رانندگی بود. تصادف کردم. پیام را قطع کردند. اینست که به گذاشتی افتادم. اگر از مرده ها می شود انتظاری داشت از دولت هم باید انتظار داشت.

\* مرضیه، ۴۵ ساله، اهل شهر ری. کار نیست. مجبورم گدایی کنم. خیال می کنی که نمی خواهم کار کنم؟ دو تا بچه دارم. دو سال است که شوهرم طلاقم داده...

\* ابوالفضل، ۲۵ ساله آذربایجانی: جز گدایی چه چاره ای دارم؟ مگر برای شما کار هست که

## استراتژی برگزیده: استراتژی امپریالیسم پسند

### به مامی نویسنده

#### بدهی خارجی با سیستم "یوزانس"

با اینکه رژیم مدعی است که علیرغم جنگ و هزینه‌های ارزی فراوان، بدهی خارجی ندارد، واقعیت خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. ج. ا. با استفاده از روش "یوزانس" با کمیته‌های خارجی معامله می‌کند و ارز مربوطه را با پرداخت سوده‌های کم‌ترکن حداقل یک سال دیرتر می‌پردازد. بدین ترتیب که بانک مرکزی با توجه به سفارشات دولتی با شرکت‌های مختلف، با تماس با بانک مرکزی کشور طرف معامله، پرداخت ارز مورد نیاز را در مدت معین ضمانت می‌کند و معامله انجام می‌شود. اغلب اتفاق می‌افتد که بانک مرکزی در موعد معین قادر به پرداخت بدهی دولت ج. ا. نیست و مجبور می‌شود که ضمانت پرداخت را در مقابل پرداخت سود بیشتر تا مدتی تمدید کند. در شرایط کنونی بخش‌های خصوصی و دولتی، بویژه وزارتخانه‌های صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات، همواره در جستجوی فروشندگانی در کشورهای خارجی هستند که حاضر باشند در چارچوب سیستم "یوزانس" معامله کنند. این روش در مورد صنایع نظامی و خریدهای مربوطه آن نیز اعمال می‌شود. در ماه‌های اخیر، کشورهای طرف معامله با ج. ا. اغلب حاضر نمی‌شوند که تن به معامله با سیستم "یوزانس" بدهند. علت این است که در سال ۶۶ بانک مرکزی ج. ا. از باز پرداخت تعهدات خود در مقابل بانک مرکزی آن کشورها عاجز بوده است.

#### نقش کمیانی "فریتس ورنر" در جنگ ایران و عراق

مذاکرات در مورد تامین ورق‌های برنجی برای تهیه انواع بیکه، کلوله‌های تفنگ تاتوب و ایجاد یک کارخانه تولید ورق برنجی در ایران بین ج. ا. و کمیانی "فریتس ورنر" رو به اتمام است. این کمیانی آلمانی غربی از دوران رژیم پیشین طرف معامله صنایع نظامی ایران بوده و پروژه‌های مختلفی را در مقابل سوده‌های کلان به انجام رسانده است. پس از سقوط رژیم شاه نیز میچگاه دفتر نمایندگی کمیانی نامبرده در تهران تعطیل شد و در حال حاضر نماینده دائمی آن در صنایع نظامی حضور دارد. پروژه تامین ورق‌های برنجی ... سر به چند صد میلیون مارک می‌زند.

نوآوریهای مخترعین و مکتشفین و درباره ساخت هواپیما و هلیکوپتر و زیر دریایی و پیچیده‌ترین سلاحها و دستگامهای فنی و وسایل علمی روده درازی می‌کنند، چگونه است که توانایی ساخت ماشین آلات تولید لوازم یدکی پیکان برایشان دشوار است. در پایان باید گفت که "استراتژی برگزیده" رژیم، عملاً و اساساً نه تنها کوچکترین گامی در راستای مبارزه علیه "سیاستهای استعماری گذشته" و تامین استقلال اقتصادی و خودکفایی صنعتی کشور بشمار نمی‌رود، بلکه فقط به تحقق نقشه‌های نو استعماری امپریالیسم یاری می‌رساند.

البته، امپریالیستها در کشورهایی همانند ایران، که دارای پایگاه وسیع هستند، از طریق عوامل و کارگزاران خود برای آب کردن این خطوط تولید و ماشین‌آلات فرسوده، "صنایع کاربر" اقدام می‌کنند. امپریالیستها از این طریق هم مبالغه‌های هنگفتی ارز با آورده را به کاوشندوهای خود سرازیر می‌سازند و هم این کشورها را پیش به بند وابستگی اقتصادی و مالا سیاسی خود می‌کشاند.

بر این بنیان، به صحبت‌هایی که پیرامون قرارداد "تالیوت" مطرح شده است، بازمی‌گردیم. به اعتراف خود آقای نبوی تنها "حدود ۲۵ درصد ارزش اتومبیل پیکان در داخل ساخته می‌شود" که بدون تردید بخش عمده این "۲۵ درصد ارزش" زائیده نیروی کار داخلی یا به دیگر سخن تلاش و زحمت کارگران و زحمتکشان هم میهن ماست و نه ناشی از تولید قطعات و لوازم یدکی اتومبیل پیکان در داخل. تولید "۲۵ درصد ارزش" در داخل طبیعتاً بمعنای تولید ۶۵ درصد ارزش آن از سوی شرکت‌های چند ملیتی امپریالیستی است. با توجه به مراتب فوق، این پرسش پیش می‌آید که آیا خرید ۱۰۰۰ دستگاه ماشین‌آلات فرسوده "تالیوت" می‌تواند خلأ تولید ۶۵ درصد ارزش آنرا که در داخل تولید نمی‌شود، پر کند؟ پاسخ را از زبان خود آقای وزیر صنایع سنگین بشنوید که می‌گوید: "با رسیدن و نصب و راه اندازی ماشین‌آلات مزبور" "البته در مواردی ممکنست نیاز به یکی دو ماشین نو برای تکمیل خط تولید باشد".

البته علاوه بر موارد احتمالی "نیاز به یکی دو ماشین نو" به اعتراف آقای وزیر، همچنین "قطعات محدود دیگر"ی نیز از "حدود ۲۰۰ تولید کننده" دیگر "که قبلاً از طرف "تالیوت" خریداری و به ایران خودرو تحویل می‌شده است" - باید خریداری شود.

حال باز اگر برآستی چرخ تولید کارخانه تولید کنند "یک نوع خودرو" با خرید احتمالی "یکی دو ماشین نو" و "قطعات محدود دیگر" به گردش درمی‌آید، جای شکرش باقی بود. ولی آنچه رژیم از آن لام تا کام سخن نمی‌گوید اینست که خود این ماشین‌آلات مستهلک خریداری شده، نیاز وافر و دم افزون به لوازم یدکی دارند و در شرایطی که دیگر این ماشین‌آلات در انگلستان از رده خارج شده است و تولید نمی‌شوند، رژیم چگونه می‌خواهد برای آنها لوازم یدکی تهیه و تامین کند؟ آیا با گذشت زمان بسیار کوتاهی این ماشین‌آلات به آهن پاره‌های بی‌صرفی تبدیل نمی‌شوند؟ آشکار است که این قرارداد برخلاف ادعاهای کارگزاران رژیم، هیچ کمکی به کاهش وابستگی و "اصلاح" ساختار صنعتی کشور با تولید "یک نوع خودرو" در داخل کشور نمی‌کند، بلکه سبب تشدید و پیچیده شدن اشکال وابستگی این رشته از صنعت به انحصارات امپریالیستی می‌گردد.

افزون بر این، اعلام "استراتژی برگزیده"، بار دیگر پرده از چهره سردمداران دروغ پرداز رژیم بر می‌دارد. آنها که هر روز درباره

اخیراً در چارچوب "اصلاح ساختار صنعتی" کشور و پیشبرد "استراتژی (امپریالیسم پسند) برگزیده" رژیم یعنی خرید "کارخانه‌های دست دوم"، قراردادای بین شرکت انگلیسی "تالیوت" و شرکت "ایران خودرو" بسته شده است. بر پایه این قرارداد، حدود ۱۰۰۰ دستگاه ماشین‌آلات کهنه و فرسوده در ازای پرداخت ۱۲ میلیون دلار در اختیار ایران گذارده می‌شود. مهندس نبوی، وزیر صنایع سنگین، که "خرید خطوط تولیدی و ماشین‌آلات دست دوم" را علیرغم "عوارض منفی" آن، "بهترین روش برای صنعتی شدن کشورهایی ... که درآمد ارزی محدود دارند" (کمیانه ۶۶/۱/۱) می‌داند، علت خرید این ماشین‌آلات را "راه حلی برای مشکل تامین قطعات یدکی بیش از یک میلیون اتومبیل پیکان موجود" (اطلاعات ۶۷/۲/۱۵) معرفی می‌کند. قائم مقام او نیز "با اشاره به سیاستهای استعماری گذشته در زمینه تولید خودرو" می‌گوید: "... از این پس قادر خواهیم بود با یک پروژه جدید یک نوع خودرو در مملکت تولید نمائیم ... بنابراین با خرید ماشینهای تالیوت بسیاری از اقلامی را که تاکنون وابسته بدان بودیم خود تولید خواهیم نمود" (رسالت ۶۷/۱/۲۵).

آنچه رژیم "استراتژی برگزیده" خود اعلام داشته است چیزی جز خرید ماشین‌آلات مستهلک و از رده خارج شده، شرکتها و موسسات تولیدی انحصارهای امپریالیستی که بسوی بهره‌برداری از تکنولوژی "سرمایه بر" می‌روند، نیست. اتخاذ "استراتژی برگزیده" رژیم در واقع نمی‌تواند زمینه جامه عمل پوشاندن به هیچیک از هدفهای اعلام شده این "استراتژی" را فراهم سازد.

برای نشان دادن ماهیت ادعاهای بی‌پایه رژیم باید برخی از جنبه‌های موضوع را به اجمال شکافت.

رژیم "استراتژی" خرید کارخانه‌های دست دوم را "بهترین روش برای صنعتی شدن کشورهایی ... که درآمد ارزی محدود دارند" اعلام می‌دارد. گذشته از بیان این واقعیت که بحران اقتصادی و افلاس مالی و ارزی کشور ما زائیده سیاست و عملکرد خود رژیم حاکم، از جمله سیاست ادامه جنگ آتست، باید خاطر نشان سازیم که به دلایل کاملاً روشن، در جهان امروز، در عصر انقلاب علمی و فنی که صنایع در پرتو بکارگیری تکنیک و تکنولوژی پیشرفته روز به روز مدرنتر می‌شوند، هیچگاه هیچ کشوری از طریق خرید خطوط تولید و ماشین‌آلات از رده خارج شده، کشورهای امپریالیستی نمی‌تواند گام در راه صنعتی شدن بگذارد. زیرا امپریالیستانه صنایع پیشرفته مادر و کلیدی تولید کننده، وسایل تولید و نه صنایعی را که بهره‌دهی و بارآوری تولیدشان در حد مطلوب باشد، بلکه تنها "خطوط تولید و ماشین‌آلات" مستهلکی را در معرض فروش می‌گذارند که دیگر از نظر آنها اسقاط بشمار می‌روند و بهره‌برداری کوتاه مدت از آنها، به هیچ وجه سبب کور شدن بازارهای فروش محصولات صنعتی شان نمی‌شود.

کارگران را به نظافت خیابانهای اطراف کارخانه واداشته بود، کارگران، که نمیخواستند بیکاری کنند، بیلها و جاروها را شکستند و مقابل در اتاق مدیر امور اداری انداختند.

### اشاعه بیماری "سپلیکوز"

بیشکی که کارگران "چدن چکش کار ایران" ("مالی بل" سابق) را مورد معاینه قرار داده بود، اعلام کرد که بیش از یک سوم کارگران این کارخانه دچار بیماری "سپلیکوز" شده اند. این بیماری ناشی از گرد و غبار ماسه های مخصوص کارخانجات ریخته گری است و سلامتی هزاران کارگر ریخته گری را تهدید می کند و حزب ما، در شرایط کار علنی، بارها در این زمینه هشدار داده است. بدنبال اعلام خبر بیماری، عوامل رژیم در کارخانه، پزشک را از کارخانه اخراج کردند.

### دستگیری و اخراج سه کارگر به جرم حق طلبی

سه نفر از نمایندگان کارگران قسمت بسته بندی کارخانه "لادن"، تولید کننده "روغن نباتی، بعلت بیکنری و اصرار در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از کار اخراج شدند و یکی از این سه نفر دستگیر و مدت یک هفته در اوپن زندانی گردید. حتی شناسنامه "کار این کارگر ان گرفته شد. این سه نفر جزو ۲۰ نفر نمایندگان بودند که از طرف کمی از کارگران این واحد برای مذاکره در زمینه "اجرای طرح طبقه بندی مشاغل نزد مدیریت رفته بودند. "لادن"، قریب ۲۷۰۰ نفر کارگر دارد که اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هنوز شامل نیمی از آنان شده است. مبارزه بر سر بازگشت کارگران اخراجی و اجرای طرح نامبرده همچنان ادامه دارد.

### زمینه چینی برای اخراج

از مدتی پیش، در کارخانه "ارچ" در زمینه "بیمه بیکاری" زیاد تبلیغ می شود. بریده روزنامه های مربوط به "لایحه بیمه بیکاری" در تابلوهای اعلانات نصب می شود و عوامل رژیم در کارخانه درباره "مزایای" قرار گرفتن کارگران تحت پوشش "بیمه بیکاری" داد سخن می دهند. اینها زمینه چینی برای اخراج بخش چشمگیری از کارگران است که از آذرماه سال پیش لیست آنان تهیه شده است.

### کاهش اضافه کاری در برق گیلان

از ابتدای سال ۶۶ بخشی از اضافه کاری کارگران و کارمندان برق استان گیلان کسر شده و حقوق آنان نیز به موقع پرداخت نمی شود. از همین تاریخ برق شهرستانهای زنجان، ابهر و قزوین نیز زیر پوشش استان گیلان قرار گرفته است و کسری اضافه کاری و تاخیر در پرداخت حقوق شامل کارگران و کارمندان برق این شهرستانها هم می شود. زمره های اعتراضی هر لحظه افزون تر می شود.

## انحطاط اخلاقی مطلق رژیم

نومیدی تلاش می ورزد به مادر پیر دردمند خود کمک کند. اما به هر دری، که می زند جز "نه" نمی شود و راهی نمی یابد. در این نظام ضد انسانی هیچ مقام مسئولی عین خیالش نیست که پیر زنی با استخوان ران شکسته در گوشه ای افتاده و شب و روز ناله می کند. گویای دولت "اسلامی" هیچ وظیفه ای در راستای کمک به شهروندان پیر و از کار افتاده ندارد.

مسئله "خم و شکننده شدن استخوانهای پادر سنین بالا امری طبیعی است. اگر تنها کشورهای سوسیالیستی را مثال نزنیم در همه "کشورها وقتی استخوان پای پیر زنان و پیر مردان می شکند، فوراً آنان را به بخش کمک های فوری (اورژانس) می برند و با دخالت کارشناسان نخست دردتان را کاهش می دهند و سپس با جراحی و وصل کردن استخوانها بوسیله "میله های فلزی می کوشند دوباره امکان حرکت آنان را، گر چه به کمک چوب زیر بغل، فراهم کنند. در اکثر حالات این کمکها موثر می افتد و بیماران سالهای سال "دست به عصا" به زندگی ادامه می دهند.

اما "جمهوری اسلامی" با همه "ادعاهای صدقا یک غاشز در مورد انسان دوستی، در مورد انجام این ابتدائی ترین وظیفه، که ایجاد و تجهیز بیمارستان های "اورژانس" در شهرهای بزرگ و کوچک برای دادن کمک فوری پزشکی به شهروندان باشد، خود را به نفعی زده و پنبه در گوشه های خود چپانده است، تا صدای ناله "بیر زنان بیمار و فریاد نرزدیکان بخشم آمده شان را نشنود. برآستی باید گفت رژیم "مرکب بر ضد ولایت فقیه" در دنیای کنونی تالی ندارد.

بهرت می توان گفت، که رژیم "ولایت فقیه" که خود را انسانی ترین نظام روی زمین می داند در واقع یکی از غیر انسانی ترین نظام های حکومتی موجود در روی زمین است. شاید فقط اشاره به این واقعیت دردناک، که گردانندگان این رژیم، کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۵ ساله را با دروغ و فریب به جبهه های بی بازگشت جنگ می برند و آنان را در میدان های مین گذاری شده می دوانند، برای پی بردن به ماهیت پلید آنان کافی باشد. اما برخی پدیده ها وجود دارد که نمی توان آنها را تنها با خونخواری و سفاقت سران مرتجع رژیم توجیه کرد. اینجا دیگر سخن از انحطاط اخلاقی مطلق در میان است.

روزیکشنبه ۲۱ فروردین روزنامه "کیهان" مطلب زیر را در صفحه "کیهان و شما" چاپ کرده بود:

"آیا کسی هست که به فریاد این پیر زن دردمند برسد؟

مادر پیرم چند روز پیش به زمین خورده و استخوان ران پایش شکسته است. به هر بیمارستانی که مراجعه می کنم از بستری و جراحی کردن وی خودداری می نمایند و در نتیجه این پیر زن در حالی که از درد و ناراحتی لحظه ای آرام ندارد همچنان در گوشه ای از منزلمان افتاده است. ضمن جلب توجه مسئولان امر به این مسئله تقاضا دارم بخاطر رضای خدا مادر مرا در بیمارستانی بستری نمایند. مریم غلامی بهروز تلفن ۸۵۴۹۲۸"

نمی توان این خبر را خواند و مبهوت نشد. زنی در تهران از خانواده ای، که در خانه شان تلفن هم دارند و به اصطلاح "بی دست و پا نیستند" با

نتیجه شما بیکار می شوید". در این میان، چند نفر از اعضای انجمن اسلامی، یکی از کارکنان شرکت، که قبلاً همکلاسی مدیر عامل بوده، و یک نفر از بخش تعمیر و سائاتقلیه شامل افزایش حقوق شده اند و مدیر عامل طی نامه ای به دفتر مرکزی اعلام کرده است که هزینه "ماهانه" شرکت را ماهانه ۹۰ هزار تومان بایشن آورده است.

### فرم باز خرید را فقط یک نفر پر کرد

در "ایران یویا" ("جنرال استیل" سابق) برای سومین بار، در تاریخ ۱۶ آبان ۶۶، اطلاعیه "باز خرید کارگر ان منتشر شد. بر اساس جدول ارائه شده، حتی نسبت به جدولهایی که قبلاً صادر شده بود، امتیازات کمتری برای کارگرانی که می خواهند باز خرید شوند، در نظر گرفته شده است. بخصوص کارگر ان قدیمی وضع بدی دارند. چنانچه انتتار می رفت، از ۱۲۰۰ نفر کارگر "ایران یویا" تنها یک نفر فرم باز خرید را پر کرده است. در این واحد، اعتراض کارگران به سیاست ضد کارگری مدیریت کارخانه اشکال گوناگونی دارد. از جمله اینکه، علیرغم تبلیغات و تهدیدات فراوانی که می شود، در مراسم نماز جماعت روزانه، حداکثر ۵۰ نفر شرکت می کنند. و نیز در اوائل آبان، هنگامیکه بدنبال تعطیل موقت تولید، مدیریت تعدادی از



### کاهش تولید و پیماندهای آن

در "کانادادرای" رشت کمبود مواد اولیه، از جمله تشک، سبب کاهش تولید شده است. مدیریت این واحد، که ۱۴ شرکت زیر پوشش آنند، می گوید، تا بطور کژدار و مریز چرخ کارخانه را بگرداند. در این میان، حق بهره وری کارکنان و پورسانتار ماهانه "کارکنان قیمت فروش قطع شده و سلف سرویس کارخانه نیز، که از سال ۵۷ تاکنون دایر بود، "تق و لقی" شده است. علاوه بر این، اضافه کاری کارگران قسمت تولید و بخشهایی چون انبار مواد، انبار قطعات، انبار محصول و آزمایشگاه، بدلیل کمبود مواد اولیه قطع گردیده است. مدیر عامل شرکت در مقابل اعتراض کارگران گفته است: "اگر زیادی سر و صدا کنید و سر و صدا بگوش دفتر مرکزی (تهران) برسد، این مقدار سهیمه" تولید ما را هم قطع می کنند و در کارخانه را می بندند. در

## اعلامیه تشکیلات . . .

کتابخانه‌ها و ورزشگاهها و توجه همه جانبه به نیازهای کودکان شریبطی فراهم سازند تا کودکان با رشد طبیعی جسمی و روانی برای انجام وظایف فوق‌العاده مهم آینده آماده گردند. واقعیات تلخ زندگی روزمره \* میلیونها کودک ایرانی به روشنی نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند به وظایف مسلم خود در این زمینه عمل کند.

هر سال بیش از یک میلیون نفر بر جمعیت ایران و کمی کمتر از آن بر تعداد کودکان لازم‌التعلیم افزوده می‌شود. رژیم ارتجاعی نه تنها از ایجاد فضای آموزشی مورد نیاز خودداری می‌کند بلکه با بی‌توجهی باعث می‌شود تا هر سال تعدادی از مدارس بدلیل فرسودگی و عدم رسیدگی و جنگ و سیل و ... از حیض انتفاع خارج شود. برای پاسخگویی به نیاز چند میلیون دانش‌آموز کارگران رژیم به شیوه \* ضد آموزشی کاهش ساعات درس و سه نوبتی کردن مدارس دست زده‌اند.

با توجه به رشد نزدیک به ۴ درصد جمعیت در ایران و کمبود فاحش تعداد مدارس و نداشتن معلم کافی هر سال هزاران کودک در سن تحصیل پشت درهای مدرسه می‌مانند و هر سال بر تعداد بیسوادان میهن ما افزوده می‌شود.

رژیم نه تنها خود را موظف به تامین بهداشت مادر و کودک و ایجاد شبکه \* درمانگاهها و بیمارستانها و شیرخوارگاه‌هایی داند بلکه امکانات ناچیز موجود را نیز در خدمت جنگ ویرانگر گرفته است. هم اکنون بخش قابل ملاحظه‌ای از تخت‌های زایشگاهها و بیمارستانهای کودکان را به تامین نیازهای جنگ اختصاص داده‌اند. سرنوشت میلیونها کودک که سازندگان فردای میهن ما هستند بازبچه \* دست جنایتکارانی قرار گرفته است که هدفهای ماجراجویانه و توسعه طلبانه \* خود را اینها نمی‌کنند.

میلیونها کودک ایرانی از مراقبت‌های بهداشتی، کلاسهای روش، کتابخانه و آزمایشگاه، زمین بازی و ورزش و سینما و تئاتر و موسیقی مناسب کودکان محرومند. دهها هزار کودک ایرانی به دلیل فقر سیاهی که گریبانگیر خانواده‌هاست به کارشاق نامناسب با جسم کوچک خود اشتغال دارند. قوانین مصوبه در رژیم جمهوری اسلامی کودکان را کالای متعلق به پدر می‌داند، در صورت فقدان پدر، پدربزرگ صاحب این "کالا" می‌شود. محروم کردن کودکان از درس و مدرسه، کتک زدن او با اصطلاح "به قصد تربیت"، اجاره دادن و فروختن و حتی کشتن کودک بدون ترس از "قصاص" از جمله حقوقی است که قوانین قرون وسطایی برای ولی کودک به رسمیت شناخته است. تصویب این قوانین با توجه به گسترش بیسودای فقر و عقب ماندگی فرهنگی بخشی از جامعه \* مابه فجاج دردناکی منجر می‌گردد. استقرار رژیم "ولایت فقیه" در ایران اولین و بزرگترین حق کودکان یعنی حق ادامه \* حیات را از آنان سلب کرده است. خمینی و کارگزارانش به کرات اعلام کرده‌اند که "جنگ بالاتر از همه \* امور است". آنان برای ادامه \* جنگ بمبوده و تحقق هدفهای خیالپرورانه \* خود، یعنی "صدور انقلاب اسلامی" و ایجاد "امپراتوری

## "چیزی شبیه . . ."

تقریبا مسائل عمومی جامعه را در بر می‌گیرد، گذشته است، بی آنکه خم به ابرو بیاورد. حاصل کار شعارهای توخالی و وعده و وعید سالهای اخیر را از زبان مسئولان گوناگون و در بیانیه‌های نهادهای مختلف، در آستانه \* انتخابات دوره \* سوم مجلس، تقریبا با محتوای سخنان نماینده \* اهواز، بسیار شنیده ایم. بطور کلی جمع بست کار رژیم را از زبان موسوی اردبیلی در مراسم نماز جمعه هم می‌توان شنید. او، که به مناسبت با اصطلاح "هفته \* محرومین و مستضعفین" سخنرانی می‌کرد، اعلام داشت: "هر وقت بهایی رسیدیم که قانون کار و قوانین دیگر تجارت، سرمایه و سود، مبادله و مقدار مزد زندگی مناسب را برای یک انسان بوجود آورد، آنوقت ما می‌توانیم بگوئیم که از محرومان و مستضعفان حمایت کرده ایم".

رک و پوست کنده، یعنی اینکه رژیم ج.ا. تا کنون نتوانسته است در حد تامین "زندگی مناسب"، "اعم از منزل، وسائل زندگی و امکانات و وسایل رفاهی" برای "کارگران، دهقانان، مردم جنوب شهر، پیشه‌وران جز \* و محرومین و مستضعفین" هیچ گام مثبتی بردارد. برعکس، گام‌های منفی بسیاری برداشته است. در زندگی هر یک از طبقات و اقشار مورد اشاره \* رئیس قوه \* قضائیه ج.ا. دقت کنیم، می‌بینیم که وضع بسیار بدتری، نسبت به آغاز انقلاب، دارند. گرسنگی و فقر، بیکاری، گرانی، آوارگی، ویرانی، مرگ و ... اینها همه "ارمغان" رژیمی است که شعار دفاع از "محرومان و مستضعفان" می‌دهد و در عمل بر تعداد "القائیان های گمنام" می‌افزاید. باید از همین آقای موسوی اردبیلی پرسید: شا که اینقدر دم از محرومان و مستضعفان می‌زنید، مثلا درباره \* "بنیاد نبوت" که آنهمه هیاهو بر سرش برافه انداختید، چه کردید؟

بزرگ اسلامی" نه تنها بیش از ۵۰ درصد از بودجه \* کشور را مستقیما به آن اختصاص داده‌اند بلکه جان صدها هزار جوان و کودک ایرانی را فدای امیال پلید خود ساخته‌اند. ولی فقیه" فرمان فریب کودکان و اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌ها را صادر کرده و اینکار را حتی بدون اجازه \* والدین مجاز دانسته است. آموزش نظامی در مدارس جای آموزش علم و دانش را گرفته است. تاکنون بیش از دویست هزار دانش‌آموز به جبهه‌ها اعزام گردیده و هزاران نفر از آنان قربانی جنون جنگ طلبی سران رژیم شده‌اند. عوارض ادامه \* جنگ و گسترش دامنه \* آن و تشدید جنگ شهرها به دلیل بی‌توجهی رژیم به میانجیگریهای سازمان ملل و مساعی دول صلح‌دوست، بیش از همه دامنگیر کودکان ماست. در سه ماه اخیر چند هزار کودک و نوجوان در ویرانیهای ناشی از اصابت موشکها جان باختند، صدها هزار کودک از خانه و شهر خود آواره شدند و گسترش بیماریها، بویژه بیماریهای عصبی به حد نگران کننده‌ای رسید. امر تحصیل کودکان نیز دچار اختلال جدی شد.

صلح خواست مقدم همه \* مردم ایران است. برای تامین نیازهای کودکان و ایجاد محیط سالم و طبیعی جهت رشد آینده سازان کشور قبل از همه باید علیه جنگ بپیورده و برای استقرار صلح مبارزه کرد.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران  
خرداد ۱۳۶۷

پرونده‌های دزدیها و رشوه خواریهای کلان چند صد میلیونی که عده‌ای از دولتمردان ج.ا. در آنها دست دارند، چرابی سر و صدا بسته می‌شود؟ چرا کارخانه‌های مصادره شده و زمینهای کشاورزی‌ای را که کارگران و دهقانان از حلقوم کلان - سرمایه‌داران و بزرگ مالکان بیرون کشیدند به "صاحبان" آنان برگرداندید؟ آیا اینها نه به معنای این است که شما "زندگی مناسب" را نه برای زحمتکشان، بلکه برای "القائیان های گمنام"، که چون زالو بجان مردم افتاده‌اند و زیر چتر حمایت "ولایت فقیه" هستی آنان را به بیغما می‌برند، فراهم کرده‌اید؟ اینها سؤالیهایی است که جواب دادن به آنها برای سران مرتجع جمهوری اسلامی "صرف نمی‌کند" و از کنار آنها می‌گذرند.

در آستانه \* برگزاری انتخابات دوره \* سوم مجلس، رژیم هیاهوی بسیاری برافه انداخت. انشعابهایی که شد، قداره‌هایی که جناحها بروی هم کشیدند، سخنان پر آب و تاب خمینی و پیروانش در ضرورت دفاع از محرومان، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، حمله به طرفداران "اسلام فقهاتی" و غیره. همه برای این بود که یکبار دیگر مردم به رژیم جلب شوند و به وعده‌هایش باور کنند. اما تجربه نشان داده است که در درون دیک جمهوری اسلامی چیزی نمی‌جوشد که به درد زحمتکشان بخورد. با آنکه رسانه‌های گروهی کشور داثما تبلیغ می‌کنند که "مجلس سوم" چنین و چنان خواهد کرد و بزودی همه چیز بروق مراد "مستضعفان" خواهد شد، هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه با خبرنگاران ایتالیایی می‌گوید: "من بیش بینی نمی‌کنم که تغییر مهمی در مجلس سوم بوجود بیاید. فکر می‌کنم که در آینده چیزی شبیه مجلس دوم با کمی اختلاف خواهیم داشت". وی عدم موفقیت مجلس را نه در درگیریهای بین جناحها در مجلس، بلکه در اختلاف آن با "شورای نگهبان" می‌داند که قوانین مصوبه \* مجلس را "وتو" می‌کند. طبیعی است که هم درگیریهای جناحها در مجلس، هم اختلاف آنها با "شورای نگهبان" و هم درگیریها در مجمع تشخیص مصلحت نظام کماکان به قوت خود باقی می‌ماند. اگر بر دشواریها و "مشکلات لاینحل مانده" چیزی افزوده نشود. جای شکرش باقی است ریشه و اساس بحران همه جانبه موجود در مامیت ارتجاعی نظام قرون وسطایی "ولایت فقیه" است که سد راه آزادی، صلح، عدالت و پیشرفت اجتماعی است. حاکمیت "ولایت فقیه" همواره در تلاش است که برای حفظ موقعیت و اصولا موجودیت خود چتر اختناق را هر چه بیشتر، حتی بر سر مجلس و مجلسیان بگشاید. در نظام "ولایت فقیه" همه \* نهادها و از جمله مجلس باید تابع اوامر خمینی باشند. بی سبب نیست که خلخال، خطاب به مخالفینش می‌گوید، که "وقتی امام فرمود سکوت کنید، شاجر اسکوت نمی‌کنید؟"، باقی قضایا روشن است. آیا از چنین مجلسی و اصولا چنین نظامی می‌توان انتظار داشت که حتی نیم گامی برای "ایجاد یک زندگی مناسب" بر ای زحمتکشان بردارد؟

مردم میهن ما به تجربه دریافته‌اند که از این امامزاده نباید و نمی‌توان انتظار معجزه داشت و به همین دلیل نیز روگردانی از رژیم گسترش می‌یابد. در صورت تشکل نیروهای می‌توان از نفرت روز افزون توده‌های میلیونی برای پایان دادن به نظام ضد- خلقی بهره گرفت. جز این راه دیگری وجود ندارد.

## "دلار کم کم بصورت واحد پول کشور مادری آید"

### درکنگره کمونیستهای...

آمار، در کانادا، که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بشمار می‌رود، ۱۸ درصد بزرگ سالان و ۲۱ درصد کودکان کمتر از ۶ ساله در شرایط فقر بسر می‌برند.

دبیر کل حزب کمونیست کانادا در پایان سخنرانی خود تاکید ورزید، که حزب باید همه کوشش خود را بکار برد، تا "از کانادا آوای صلح برخیزد و این کشور راه استقلال را بیپیماید و بسوی آینده سوسیالیستی گام بردارد".

پس از سخنرانی ویلیام کاشتان، نمایندگان کنگره بیست و هفتم به بحث درباره گزارش دبیر کل و پیش نویس اسناد و قطعنامه‌هایی چند، از جمله سندی زیر عنوان "زنده مانسی و حاکمیت"، پرداختند و آنها را به تصویب رساندند.

روز دوشنبه ۲۲ مه جورج هیوستون و ویلیام کاشتان بترتیب به سمت دبیر کل حزب و صدر کمیته مرکزی انتخاب شدند.

جوج هیوستون در سخنرانی در کنگره "وفاداری خود را به طبقه کارگر کانادا، اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری" اعلام داشت. بگفته او، حزب کمونیست کانادا از برنامه‌ای روشن در قبال سیاست نیروهای حاکم بر خوردار است و در راه کانادایی بری از جنگ افزارهای هسته‌ای، حق تعیین سرنوشت مردم کانادا و پیشرفت اجتماعی مبارزه خواهد کرد.

جرم دانستند... در حال حاضر مشاهده می‌شود که... دلار کم کم بصورت واحد پول کشور... مادر می‌آید" بطوریکه مثلاً "تولید کنندگان اتومبیل برای کسانی که در خرید اتومبیل ارز اراده دهند حق تقدم قابل می‌شوند" (کیهان ۱/۲۲/۶۷).

\* در شرایطی که منبع عمده ارزی کشور از طریق فروش نفت، آنهم به دلار، تأمین می‌گردد و اساساً اقتصاد کشور ما وابسته به نوسانات قیمت نفت و ارزش دلار است، بی‌شک اقدام اخیر رژیم راه تشدید وابستگی زندگی اقتصادی کشور به دلار راهوار می‌کند.

\* تحمیل دلار بعنوان وسیله پرداخت از یکسو زمینه غارت بی بند و بار سرمایه‌داران بزرگ دارند. گنجینه ارزی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر در بازار معاملات داخلی کشور، فعالیت "بازار سیاه" دلار دامنه وسیع تری بخود می‌گیرد، نرخ برابری کاذب دلار نسبت به ریال بگونه‌ای افسار گسیخته بالا می‌رود و سرانجام موجب افزایش سرسام آور نرخ تورم و قیمت کالاها می‌شود.

\* تحمیل دلار بعنوان وسیله پرداخت نه تنها مواضع اقتصادی و سیاسی کلان سرمایه‌داران داخلی را بیشتر تحکیم خواهد کرد، بلکه همچنین بیش از پیش راه را برای چپاول مردم و ضربه زدن به اقتصاد کشور از سوی سرمایه‌داران خارجی و شرکتهای فراملی هموار خواهد کرد.

در اوایل فروردین ماه، سازمان هواپیمایی کشوری اعلام داشت، که از این پس بلیطسفرهای خارج از کشور می‌بایستی بصورت ارز "دلار" از طرف متقاضی تهیه و پرداخت شود.

نخست باید گفت که این اقدام نشانه‌ای از بحران اقتصادی - اجتماعی و افلاس مالی و ارزی رژیمی است، که بیشترین درآمد ارزی کشور را برای خرید جنگ افزار و تجهیزات نظامی، از طریق معامله با انحصارات و دلان امپریالیستی و صهیونیستی، به کام سیری ناپذیر جنگ می‌ریزد.

در ارتباط با این "چاره اندیشی" رژیم که بدون تردید پیامدهای زیانبار اقتصادی - اجتماعی به همراه دارد، بجاست به اجمال به نکاتی اشاره کنیم:

\* تصمیم رژیم سبب کاهش بیش از پیش ارزش و اعتبار ریال در داخل کشور می‌گردد.

\* اصولاً معلوم نیست چه دستهایی در کار بوده است که رژیم در بین ارزهای قابل تبدیل

کوناگون، "دلار" را برگزیده است. دلاری که روز بروز ارزش خود را در جهان از دست می‌دهد. روشن است که رژیم با اقداماتی از این دست ارزش دلار را در بازار ایران بالاتر و بالاتر می‌برد. به نوشته "کیهان" اگر مدتی نه چندان دور، دولت و مقامات مسئول دلار را پول قاچاق و مصرف آن را

## کنفرانس حزب...

"همه اینها نشان می‌دهد، که ارزیابی کنگره سیزدهم از اوضاع و هدفهایی، که این کنگره برای تحول اقتصاد و سطح زندگی تعیین کرد، بر پایه واقعیات استوار نبود و دستاوردهای ما از نیازمندیهایمان عقب ماند".

دبیر کل کمیته مرکزی "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" در ادامه سخنان خود گفت:

"در اینسوا آنسوی مرزها کسانی می‌کوشند، تا از دشواریهای کشور علیه نظام سوسیالیستی بهره برداری کنند. از این رو، کمیته مرکزی تصمیم گرفت، این کنفرانس کشوری را برای بررسی وضع حزب و مهم‌ترین وظایف آن تا کنگره سال ۱۹۹۰ فراخواند".

یانوش کادار درباره اقدامات گلاشته حزب در راستای تکامل سیستم سیاسی کشور و تحکیم نظام اجتماعی سوسیالیسم سخن گفت و نقش رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی را بمثابة مسئله مرکزی ارزیابی کرد. وی همچنین بر ضرورت تعمیق سیاست اتحاد تاکید ورزید.

بگفته کادار، هدف از فرم‌های فراگیر نهادهای سیاسی تحکیم حاکمیت خلق و نظام اجتماعی

واقیه بینانه نبوده است و ایجاد مکانیسم اجتماعی "عقلانی‌تر، کارآتر و موفق‌تر" را وظیفه اصلی حزب خواند. بنظر کنفرانس، باید در همه گستره‌های زندگی اجتماعی جرحی پدید آید و روند فرم شتاب گیرد. مهم‌ترین وثیقه دستیابی به چنین هدفهایی نظام اجتماعی سوسیالیسم، مالکیت اجتماعی ابزار تولید و نقش رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی است.

کنفرانس کشوری پس از مباحثات سه روزه کمیته مرکزی جدید را، مرکب از ۱۰۸ عضو، انتخاب کرد. کمیته مرکزی در نخستین اجلاس خویش یانوش کادار و کارول گروس را بترتیب به سمت صدر و دبیر کل "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" برگزید.

کارول گروس پس از انتخاب خود در مصاحبه‌ای با تلویزیون مجارستان اظهار داشت، که نمایندگان کنفرانس حزب را موظف ساختند، تا در راه دگرگون‌سازیهای فراگیر و ژرف گام بردارد. بگفته او، باید به دستاوردهای کنونی فخر ورزید و در عین حال با دیدی روشن و بسیار انتقادی به کمبودها نگرست.

کارول گروس از سال ۱۹۸۰ عضو کمیته مرکزی و از سال ۱۹۸۵ عضو هیئت سیاسی "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" بوده است.

\*

سوسیالیسم است. او کنفرانس حزبی را فراخواند، تا از همه فرم‌هایی، که در خدمت این هدف باشد، پشتیبانی کند و با هر گونه تلاشی در جهت دمکراسی بورژوازی، آنارشی و خیال‌پروری مغایر با واقعیات کنونی مجارستان به مقابله برخیزد. از آنجا که تشکیل احزاب دیگر واقعه بینانه نیست، برخی نیروها می‌کوشند، تا نظام اجتماعی سوسیالیسم را تضعیف کنند. حزب هر گونه تلاش علیه وحدت جنبش سندیکایی و جوانان را محکوم می‌کند.

یانوش کادار بر پیوند تنگاتنگ میان ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم در کشور و بهبود اوضاع بین‌المللی، در پرتو ابتکارهای اتحاد شوروی و "پیمان ورشو"، تاکید ورزید. او از امضای قرارداد نابودی موشکهای میان‌برد و کوتاه‌برد استقبال کرد و اهمیت کاهش جنگ افزارهای تهاجمی استراتژیک را به میزان پنجاه درصد خاطر نشان ساخت. بگفته او، مردم مجارستان به تحقق اصل امنیت برابر در سطحی باثباتر چشم امید دوخته‌اند.

کنفرانس کشوری "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" در سندی درباره "وظایف حزب و تکامل سیستم نهادهای سیاسی" اظهار داشت، که ارزیابی کنگره سیزدهم درباره شرایط داخلی مجارستان و هدفهای سیاست اقتصادی این کشور

برافراشته باد پرچم ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری

## چاقوکشی "حزب الهی ها" در استکهلم

روز ۲۲ اردیبهشت (برابر با ۱۲ مه) گروهی از "حزب الهی" های استکهلم به بهانه "تظاهرات بمناسبت "روز قدس" به هواداران نیروهای چپ در این شهر حمله بردند. اوپاشان رژیم "ولایت فقیه" حداقل سه تن از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی را با چاقو زخمی کردند. درگیری خونین استکهلم با دخالت پلیس سوئد پایان یافت.

این نخستین بار نیست، که سرسپردگان رژیم خمینی در خارج، چون در ایران، منطبق را با چاقو پانخ می‌گویند.

## کنفرانس حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

روز جمعه ۲۰ مه یک کنفرانس کشوری "حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" در بوداپست گشایش یافت، که در آن ۹۸۶ نماینده شرکت داشتند. دستور جلسه "این کنفرانس از یکسو بررسی وظایف حزب و تکامل سیستم سیاسی مجارستان و از سوی دیگر بحث و تصمیم گیری درباره" پیشنهادهایی در زمینه "مسائل کادر گزینی و تشکیلاتی تعیین شده بود. یانوش کادار در سخنرانی خود درباره "موضوع نخست پیرامون تحولات کشور از کنگره" سیزدهم تا کنون و عمده ترین مسائل ساختمان سوسیالیسم در مجارستان تا کنگره" چهاردهم (۱۹۹۰) سخن گفت.

بگفته "یانوش کادار، در دو سال نخست برنامه "پنجساله" کنونی، محصول ناویژه "میلی ۴/۸ درصد، تولید صنعتی ۵/۸ درصد و تولید کشاورزی ۸/۰ درصد افزایش یافت. وی در عین حال، افزود، که در این مدت تغییرات کیفی در اقتصاد مجارستان حاصل نشد. یانوش کادار خاطرنشان ساخت، که ثبات داخلی و خارجی سیستم مالی رو به وخامت گراشیده است و بدین ترتیب شرایط برای بالابردن محسوس سطح زندگی فراهم نیست.

بقیه در ص ۷

## گوتلو متهم می‌کند

بویژه می‌خواستند آنها را به افشای نام و نشانی دیگر همزمانشان مجبور سازند.

"در تمام مدت اقامتم در شهر بانی کل کشور، تنها دوبار آنهم هر بار برای یکی دو ساعت، گذاشتند بخوابم".

رفیق گوتلو گفت، در جریان بازجویی، شکنجه‌ها هر چه بیشتر جانفرسا می‌شد. بازجویان از نورافکنهای قوی و شوک الکتریکی استفاده می‌کردند و برای شکستن مقاومت و اراده اش، او را به خوردن داروهای روانگردانی در چای، مجبور می‌ساختند.

"شکنجه گران سیم‌هایی را به دستها و آلت تناسلی ام می‌بستند، آب رویم می‌ریختند، سیم‌ها را به برق وصل و مرتب سئوالات خود را تکرار می‌کردند".

رفیق گوتلو گفت، با آنکه دچار بیماری قلبی است، بارها از رساندن دارو به او خودداری شده است. او افزود، که بیکبار هنگام بازجویی صدای هم‌رزمش، نیهات سارگین، را نیز شنید و معلوم بود، که او را هم شکنجه می‌کنند.

کودک بر اثر کتک شکسته شد. شکنجه گران "تل-آویو" ۲۱۷ کودک فلسطینی را سخت شکنجه کردند و ۲۱۲ تن را هدف گلوله لاستیکی و گازهای شیمیایی گرفتند. بیشتر قربانیان رژیم اسرائیل ۱۸-۱۴ ساله بوده‌اند.

چند روز پیش رفیق گوتلو، دبیر کل "حزب کمونیست ترکیه"، سرانجام موفق شد در دادستانی کل کشور حضور یابد و پلیس پایتخت را به شکنجه‌های دامنشانه در آغاز دستگیری خود متهم سازد.

رفیق گوتلو اظهار داشت، که او را لخت و عریان و با دستها و چشمهای بسته بازجویی کردند و مرتب آب یخ بر تن او می‌ریختند.

وی افزود: "وقتی دوباره توانستم نفس بکشم، لحظه‌ای بلند شدم، لرزه سراسر اندام را در بر گرفت، ولی بلافاصله متوجه شدم، که دیگر نمی‌توانم روی پاهایم بایستم و به زمین افتادم. آنگاه دستهایم را دوباره با پارچه‌ای خیس از پشت بهم بستند و مرا با چیزی مانند طناب تا سقف اتاق به بالا کشیدند. نمی‌دانم چه مدتی در این حالت بودم".

رهبر "حزب کمونیست ترکیه" گفت، که او نیهات سارگین، دبیر کل "حزب کارگر ترکیه" پس از دستگیری‌شان در روز ۱۶ نوامبر ۱۹۸۷، ۱۷ روز بی در پی بازجویی و شکنجه شدند. شکنجه گران

## کودک‌کشی دژخیمان اسرائیلی

در ظرف کمتر از چهار ماه، بیش از هزار کودک فلسطینی در مناطق اشغالی قربانی سیاست، ضرب و شتم دژخیمان اسرائیلی شدند. در عین حال ۶۰ کودک فلسطینی زیر شکنجه و یاببر اثر اصابت تیر جان باختند.

واقعیات نامبرده گوشه‌ای از کارنامه "سیاه باصطلاح مقامات امنیتی "تل آویو" است، که "سازمان آزادی بخش فلسطین" گرد آورده و "سازمان ملل متحد" بعنوان سندی رسمی آن را پخش کرده است.

بر پایه "اطلاعات" "ساف"، از ۹۰ دسامبر تا ۲۰ مارس ۱۹۸۷، اسرائیلی‌ها ۳۹۴ کودک فلسطینی را بضرر تیر زخمی کردند. استخوانهای ۲۷۰ تن



## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

## در کنگره کمونیستهای کانادا

در روزهای ۲۲-۲۰ مه، بیست وهفتمین کنگره حزب کمونیست کانادا در تورونتو برگزار شد. در این کنگره نمایندگان بیش از ۲۰ کشور دیگر نیز بعنوان میهمان شرکت کردند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، که به شرکت در کنگره "بیست وهفتم کمونیستهای کانادا" دعوت شده بود، پیام گرمی به نمایندگان کنگره فرستاد.

در این پیام از مبارزه "مردم ایران در راه آزادی و صلح سخن به میان می‌آید و افکار عمومی کانادا و جهان به همبستگی هر چه بیشتر با این مبارزه" دشوار دعوت می‌شود. در آغاز کار کنگره، ویلیام کاشتان، دبیر کل حزب، پیرامون وظایف کمونیستهای کانادا در پیکار در راه صلح و پیشرفت اجتماعی صحبت کرد.

رفیق کاشتان گفت:

"چند روز دیگر کنفرانس سران در مسکو برگزار خواهد شد. نتایج این دیدار میان رئیس جمهور ریگان، و دبیر کل کارباچف، نشان خواهد داد، آیا روند نیکی، که با (قرارداد) برچیدن موشکهای میان‌برد آغاز شد و می‌تواند به نابودی همه جنگ افزارهای هسته‌ای بیانجامد، ادامه خواهد یافت و یا به همین جا پایان خواهد پذیرفت؟"

ویلیام کاشتان سپس به تفصیل درباره "قرارداد بازرگانی آزاد" میان ایالات متحده آمریکا و کانادا و "پی آمدهای فاجعه آمیز" آن برای صنعت، اشتغال و حقوق سندیکیایی در کانادا سخن گفت. او وضع اقتصادی کانادا را "نامن" خواند. بگفته "کاشتان، جنبش سندیکیایی کانادا در سه جبهه "مبارزه برای اشتغال کامل، سازماندهی بیکاران و علیه فقر" می‌رزد. بر پایه آخرین

بقیه در ص ۷

آدرس پستی:  
NAMEH  
MARDOM  
NO: 209  
P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden  
31 May 1988